

بیکار خلق

گروه انقلابون مارکسیست - لنینیست

بهاء ۳ ریل

را به روز بعد موکول کردند و روز بعد باز همین جریان تکرار شد. مردم بالاخره تصمیم گرفتند که از دست کمیته به استناد اری شکایت کنند، مبنی بر اینکه کمیته دست مثل زمان شاه مغور و چماق بدست پرورش میدهد. هم اکنون کمیته مشکنین شهر یک گروه ضربت که خاطره انگیز در شاه است، را بوجود آورده و با پولی که در اختیار کمیته قرار میگیرد، میخورند و در خیابان عریه ده میگردند.

کمیته هانوطئه میکنند

همانطور که گفتیم روستای آلتی بعلل مختلفی عملاً مرکز کمیته‌ها و یاسد اران شده است. افراد این کمیته و یاسد اران اکثر افراد ناصالح، متعصب و ناآگاه تحریک شده هستند. یکی از شیوه‌های رژیم فاشیستی شاه این بود که با سوءاستفاده از مردم و تبلیغات فریبکارانه مردم را علیه هم بشوراند. ما بارها شاهد آن بودیم که چگونه رژیم فاشیستی شاه اهالی روستاها را قریب میداد و بسا چوب و چماق آنها را بشهر می‌آورد تا مبارزات مردم را سرکوب کنند. ملاهای روستای آلتی دست از همین شیوه‌ها استفاده میکنند. افراد مسلح متمرکز رآلتی همواره اهالی روستای ساریان را در راه دور اچاق و ستم قرار میدهند.

مردم مقاومت می‌کنند

اهالی ساریان لا در که از جوهر ستم کمیته‌ای هاستوه آمد می‌بودند بخصوص که آب تنها چشمه‌ی دریا بود و فرزند می‌بودند، حملگی تصمیم به اعتراض و مبارزه گرفته و در ۲۱ تیرماه باطی طریق کردن راه بسیار دوری به منظور اینکه اهالی تحریک شده و فریب‌خورده روستای آلتی متوجه نشوند، پیاده و راهی مشکنین شهر می‌شوند. اهالی روستای ساروان لا از همین تاریخ در راه‌ها مخابرات دست بتحصن می‌زنند، جوانان پیشرو و صیقل‌پرست مشکنین شهر از مبارزات حق طلبانه این دهقانان برخوردار می‌شوند و بتحصن آنها می‌پیوندند و یلاکار و یابا این‌ممن در آنجا آمیزان میکنند: "ما فرهنگیان، دانشجویان و دانشمندان مشکنین شهر از خواستهای بحق روستای ساریان لا پشتیبانی میکنیم". مهمترین خواست متحصنین همان مسئله آب چشمه بود.

فالا نژادهای اسلحه‌دوش پرورش می‌برند و یلاکار در پاره میکنند. استدلال آنها برای پاره کردن این بود که گویا آنها هم در انجوجواب انترآموز بوده ولی از خواستهای دهقانان پشتیبانی نمیکنند. بخاطر جلوگیری از رگرسی با آنها جوابی داده نشد و پس از نسیساعت آراش برقرار کردید. مامورین کمیته مد او را متحصنین را تحریک میکردند که اگر متفرق نشوید چنین و چنان خواهیم کرد. جوانان پیشرو و مبارز مشکنین شهر بد هفتان یک میکردند مبارزه خود را متشکل و سازماندهی کنند، برای خود محافظه مسئول و سخنگو انتخاب کنند. جوانان مبارز مشکنین شهر که بخوبی از اهداف ضد انقلابی مامورین کمیته مطلع بودند، تصمیم جدی گرفتند که با تمام نیرو و مبارزه حق طلبانه دهقانان پشتیبانی کنند. مردم مشکنین شهر که خود با مشکل بی‌آبی روبرو هستند، با تحصن روستائیان همسنگی و همدردی نمودند. جوانان مبارز و آزاد بخواد مشکنین شهر برای متحصنین غذا می‌سازد و تهیه کرده تا آنها بتوانند تحصن خود را ادامه دهند. روز و هم تحصن مامورین کمیته رفتار، تهدید و ارباب خود افزود و مرتب مخفیانه بین محل تحصن و کمیته در رفت و آمد می‌بودند. مامورین کمیته این بار دست بتاکتیک تفرقه‌اندازانه زد و مهربان فریاد می‌زدند که شما از کمیته‌های پیروی میکنید، کمیته‌ها شما را تحریک میکنند و غیره. دهقانان متحصن که در رعل و ستان و دشمنان خود را شناخته‌بودند، قاطعانه پاسخ میدادند که ما از شما مسلمانان هیچ انتظاری نداریم. شما کاری بکارماند اشتها کنید. بگذرید این کمیته‌ها که افراد حق طلبی هستند و شما اسم ایشان را بید نامی کشانید. ما بد یاریا و رما می‌نمایند. از آنجا که مامورین کمیته میخواستند حضور جوانان مشکنین شهر در بین متحصنین را بهانه قرار دهد و حمله کنند، بخاطر عقیم گذاشتن این بهانه حوشی جوانان مشکنین شهر تصمیم گرفتند موقتاً محل تحصن خارج شوند. مامورین کمیته مذبحانه تبلیغ میکردند که اگر این کمیته‌ها در بین شما نباشند، مسئله شما فروریسیدگی خواهد شد. جوانان مبارز مشکنین شهر برای افزایش در ماهیت در زمین تبلیغات کمیته‌ای هاتا کنیک فوق‌الذاتخاذ کردند. روستائیان مصرانه میخواستند که جوانان مشکنین شهر در میان آنان باقی بمانند. ولی بعد از توضیحات کافی آنان را قانع کردند که مبارزه خود ادامه دهد و هشیار باشند که فریب حلات زیبارا بخورند. شب و هم تحصن هم فرار سید و روستائیان با یک بی‌توری کاشی خوابیدند.

مبارزه حق طلبانه گسترش می‌یابد

اهالی مبارز مشکنین شهر که قبلاً برای تأمین آب آشامیدنی شهر دست مبارزه زد و خواستار انحلال کمیته شهر شده بودند، تصمیم گرفتند که دست به تحصن مجدد بزنند. بخصوص اینکه مامورین کمیته که عوامل ساواک هم در میان آنها فعال هستند در این مدت بر اعمال ضد انقلابی و مرتجعانه خود سیر افزودند.

روز شنبه دوم تیرماه مهلت ۲۲ ساعت تمام شد، اما خبری از انحلال کمیته نبود. مردم دگر بار قصد تحصن داشتند اما کمیته ساواک از بدین روستائیان سادانه دل‌لوانا آگاه را بیکار تحریک میکند که باید بروید و شهر را برهم‌ریزید و بدین ترتیب تعدادی از روستائیان تحریک شده را با چماق و قهقهه و قداره بشهر آوردند. اما مردم برای جلوگیری از برخورد، تحصن خود

پیرامون وقایع اخیر مشکنین شهر

مشکنین شهر همچون بسیاری از شهرهای دیگر همیشه با مشکل ناشی از آب آشامیدنی روبرو بوده است. هر زمان رژیم منقوری‌پهلوی وکیل مشکنین شهر تمام بود چماق را بطریق مختلفی حیف و میل میکرد. و بالا می‌کشید. اکثر اهالی مشکنین شهر بعلت استفاده از آب غیر آشامیدنی در چارسنگ گلیه می‌باشند. اینک به سبب از رژیم فاشیستی شاه موری کار آمدن ولتی که خود را "انقلابی" و "طرفدار" متضعین" می‌نامد آنرا بظهور بهبود وضع زندگی و رسیدگی بخواستهایشان برآوردند. حداقل انتظار آنها این بود که دولت جدید آب آشامیدنی سالم که مایه حیات اهالی است، را برای اینان تأمین نماید. مردم مشکنین شهر نخست بایرگزاری تظاهراتی باشعارهای "اهالی مشکنین شهر - سواسته" (اهالی مشکنین شهر آب میخواستند)، "کارگر، بزرگ - سواسته" (کارگر، بزرگ - آب میخواستند)، "فرهنگی - سواسته" (فرهنگیان - آب میخواستند)، خواست فوری خود مبنی بر تهیه آب آشامیدنی سالم را مطرح نمودند. فرماندار مشکنین شهر با سرهم بندی کردن یکسری حرفهای در هن پرکن قول داد که مسئله آب آشامیدنی خواهد کرد. اما پس از گذشت مدتی هیچ گونه خبری از تهیه آب آشامیدنی نشد. در تاریخ ۳/۳/۵۸ تمام اهالی مشکنین شهر اعلام کردند، بزرگ، فرهنگ، کسبه و بازاریان بسا همان شعارهای فوق‌الذکر در گریارد ست تظاهرات زدند و در مقابل تلفن خانه برای تلفن زدن به استناد ارجع شدند. ابتدا این استناد ارتلغ کردند و جواب شنیدند که ساعت هشت بعد از ظهر نتیجه معلوم میشود. تظاهرات از ساعت ۶ بعد از ظهر شروع شده بود.

افراد کمیته که اکثریاً از اید و هاو و باد مچان در قاجچینهای ستگاه جهنی ساواک و با افراد ناباب و ناصالحی هستند، سالوسانه تلاش نمودند که مردم را برانگیزد و متفرق کنند. اما این بار مردم مصمم بودند که حق خود را بگیرند. بالاخره ساعت ۸ آقای استناد اری جواب دادند که "فرماندار مشکنین شهر را به آنجا میفرستم تا به خواسته شما رسیدگی کند و از شما خواهش میکنم بماند که شویید. سرانجام مردم با بخاوندن ن قطعنامه فرارگذاشتند که فرد ای (روز ۲۹ خرداد) در جلوفرماندار اری منتظر فرماندار شوند و تا رسیدگی قطعی مسئله آب آشامیدنی دست بتحصن بزنند. در همان شب ساعت ۱۲ افراد کمیته که دست بشیوه ساواک عمل میکنند بخانه سفرا ز فعالین تظاهرات که یکی از آنها از طرف مردم تلقفاً استناد اری صحبت کرده بود، حمله می‌نمودند و ایجاد ترس و وحشت برای خانواده‌هاش، آنها را تحت عنوان کمونیست و ضد انقلابی دستگیر میکنند و شبانه بکلیه اردبیل انتقال میدهند. فرد اصبح که مردم در جلوفرماندار اری برای اخذ نتیجه جمع میشوند از سنگیری دستانشان اطلاع حاصل کرده و یلا فاصله از ساعت هشت و نیم صبح دست بتحصن می‌زنند. تمام بازار بسته شد و تقریباً تمام اهالی شهر در جلوفرماندار اری جمع شدند. مردم غیور و صیقل‌پرست مشکنین شهر باغرمی ستره همچون سیلان شعار میدادند و آزادری رفقایشان را طلب مینمودند: "مشکنین شهر سوگوسین فرهنگ آزاد السون". مامورین کمیته باهمان سیک و سیاق ساواکی هاما بدوشانه تلاش در برانگیزه کرد، صیقل و مردم می‌نمودند، اما مردم در هریار با شعار توطئه آنها را عقیم میگذاشتند.

مردم در سربیک بخوبی مورد تعدی و اچاق مامورین کمیته قرار گرفته بودند و در دل میکردند. یکی از دهقانان در حالیکه آثار زخم و کتک را بر او می‌دید، نشان میداد از اعمال رفتار او نشان کمیته تعریف میکرد. یک نفر دیگر از اهالی روستای ساریان لا در مقابل فرماندار ارگفت: آقای فرماندار افراد کمیته که اکثر از اهالی آلتی هستند شبانه مسلح بروستای ما ریختند و تنها چشمه موجود در ده که آنرا اله کنسی کرده و از آن استفاده میکردیم بروستای آلتی ضحرف نمودند. وی همچنین اظهار داشت که شب هنگام یک نفر سرباز از اهالی روستای طلیقو خانهاش میرفت یک نفر مسلح که بدین شک از افراد کمیته است راه را بر سر می‌بندد و سربال پول که آخرین در بنارسویاز بود هاست را از جیبش در می‌آورد. حال معلوم نیست که افراد کمیته در ز سرگرد نه هستند یا یاسد انقلاب. مردم بسیار از درهای خود تعریف میکردند. زمانیکه آقای بخشد ارگ با کمیته هادست بیکی کرده و مردم دل خونی از روی دارند میخواست صحبت کند باز مردم یاد از شعار اصحیت وی جلوگیری کردند. در این هنگام خبر رسید که سه نفر دستگیر شده را به تبریز برده‌اند. متحصنین اینک بسیار خشمگین شده و شعار می‌دادند: "با دست و پا ما آزاد نشوید و آب به مشکنین شهر نرسد، تحصن ادامه دارد"، "باید که عناصر ساواکی کمیته مجازات شوند". بالاخره بعد از مقداری صحبت‌های کلی آقای فرماندار قول داد که هر چه زودتر مسئله آب آشامیدنی را حل خواهد کرد و همچنین تلقفاً از تبریز آزادی دستگیر شدگان را خواست. آقای فرماندار از مردم خواست که متفرق نشوند و بتحصن خانه دهند. اما مردم مصممانه خواستار مجازات عناصر ساواکی درون کمیته بودند و شعار میدادند که "کمیته مشکنین شهر منحل باید گردد". بالاخره تحصن با صدور قطعنامه زیر خانه یافت: ۱ - آب آشامیدنی مشکنین شهر بدین صدمه زدن به آب روستائیان بایستی تأمین شود. ۲ - افرادی که دستشان ما را دستگیر کرده بودند بدین شدیدترین وجه باید مجازات شوند. ۳ - ظرف ۲۲ ساعت کمیته مشکنین شهر باید منحل گردد. در غیر اینصورت بعد از وقت مقرر بتحصن خود ادامه خواهیم داد.

روز شنبه دوم تیرماه مهلت ۲۲ ساعت تمام شد، اما خبری از انحلال کمیته نبود. مردم دگر بار قصد تحصن داشتند اما کمیته ساواک از بدین روستائیان سادانه دل‌لوانا آگاه را بیکار تحریک میکند که باید بروید و شهر را برهم‌ریزید و بدین ترتیب تعدادی از روستائیان تحریک شده را با چماق و قهقهه و قداره بشهر آوردند. اما مردم برای جلوگیری از برخورد، تحصن خود

